

## فصل اول:

### کلیات و مبانی اخلاق در علوم پزشکی

دکتر علیرضا طاهری/ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

در پایان این فصل دانشجو قادر خواهد بود:

- تعاریف مختلف اخلاق در علوم پزشکی را بیان کند.
- تفاوت مفهوم دو واژه مورال و اخلاق را توضیح دهد.
- تفاوت اخلاق زیستی و اخلاق پزشکی را بیان کند.
- اخلاق پزشکی سنتی و معاصر شرح دهد.
- ضرورت توجه به موضوعات اخلاقی در توانبخشی را بیان کند.
- سوگندنامه‌ها و عهدنامه‌های مرتبط با اخلاق در علوم پزشکی را توضیح دهد.



### خلاصه

اخلاق یکی از مهمترین اجزاء زندگی اجتماعی انسان محسوب می‌شود که همیشه به عنوان یک نیاز در انسان تبلور داشته است. در روابط اجتماعی برای حاکم کردن اخلاق، قانون و دستورالعمل نوشته می‌شود. موضوع اخلاق تصمیم‌گیری درست و به جا و تشخیص خوب از بد می‌باشد. پایبندی به اخلاق یکی از بزرگترین سرمایه‌های انسانی است که به عنوان یک پیش شرط اجتماعی محسوب می‌شود دامنه این اخلاق تا تمام شئون بشری بخصوص در ارتباط با موضوعات کاری نیز پیش رفته است همچنین در موقعیت‌های حرفه‌ای، افراد قادر به قضاوت، اعمال مهارت‌ها و دانش و تصمیم‌گیری بر اساس دانش خود هستند که چگونگی استفاده از این دانش و مهارت در هنگام ارائه خدمات به جامعه به خصوص در حوزه علوم پزشکی یک مسئله اخلاقی و موضوع اخلاق حرفه‌ای محسوب می‌شود.

### تعریف اخلاق، اخلاق پزشکی و اخلاق حرفه‌ای

اخلاق شاخه‌ای از فلسفه است که با درست و نادرست بودن مفاهیم و امور سروکار دارد و علم اخلاق، علمی است که پیرامون انواع صفات خوب و بد بحث می‌کند (۱-۲). اکتساب و یا کنارگذاشتن این صفات به اختیار خود انسان است. پس موضوع علم اخلاق، صفات نیک و بد است از آن جهت که برای انسان اکتسابی، ذاتی و یا قابل اجتناب است (۳).

واژه اخلاق از ریشه خلق به معنای سرشت، عادات، خوی و سجیه گرفته شده است. اخلاق مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها است که دارای ابعاد شناختی، معرفتی و رفتاری است. معنای عام اخلاق یعنی ویژگی‌های درونی انسان از خوب و بد است و در معنای خاص، همان رفتار و خصوصیات روحی و معنوی می‌باشد. رفتار اخلاقی نیز همان خلق و ویژگی‌های درونی انسان است که منشاء رفتار او می‌شود.

در حقیقت اخلاق بخش مهمی از حکمت عملی است که درصدد بیان این است که چه فعل و رفتاری شایسته تحقق است و چه رفتاری صلاحیت تحقق ندارد. تعاریف مختلفی در حوزه اخلاق پزشکی مطرح است از جمله اینکه اخلاق پزشکی شاخه‌ای کاربردی از اخلاق یا فلسفه اخلاق است که سعی دارد در سایه تحلیل‌های فلسفی، درست و یا نادرست بودن را در حیطه عملکرد در طب و مراقبت‌های بهداشتی تبیین نماید (۴). در جای دیگر اخلاق پزشکی یعنی اخلاق در صحنه عمل در پزشکی تعریف شده است (۵). همچنین اخلاق پزشکی در تعریف دیگری علمی است که موضوع آن بررسی مجموعه آداب و رفتار پسندیده یا ناپسندی است که صاحبان مشاغل پزشکی باید رعایت کنند (۶).

در کنار اخلاق پزشکی، اخلاق حرفه‌ای هم پررنگ است. اخلاق حرفه‌ای اصطلاحی است که از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته است و تعاریف متعددی برای آن وجود دارد:

«مجموعه قوانینی که در گام نخست با ماهیت شغل و حرفه در ارتباط است.» اخلاق حرفه‌ای شامل مجموعه کنش‌ها و واکنش‌های اخلاقی پذیرفته شده از سوی سازمان‌ها، ارگان‌ها، مجامع حرفه‌ای و کارمندان است.» اخلاق حرفه‌ای منجر به شکل‌گیری روابط اجتماعی در سطح مطلوب در سازمان می‌شود.» در جایی دیگر اخلاق حرفه‌ای «رفتاری متداول و مرسوم میان افرادی که در یک حوزه خاص فعالیت می‌کنند، تعریف شده است.» از نگاهی دیگر «اداره و مدیریت کردار و رفتار فرد به هنگام انجام دادن وظایف شغلی و کارهای حرفه‌ای اطلاق می‌شود» را برای اخلاق حرفه‌ای مطرح می‌کنند (۱۱-۷).

### تفاوت مورال و اخلاق

هر دو کلمه morality و ethics با تفاوت اندکی به معنای اخلاق می‌باشند کلمه ethics از کلمه یونانی ethos به معنای شخصیت است. این واژه بیشتر در باره تمیز بین خوب و بد، درست یا نادرست و باید و نباید مطرح است. به عبارت دیگر اخلاق مربوط به "آنچه که باید" نه "آنچه که هست" و یا مجموعه خصلتهایی که فرد باید و یا بهتر است داشته باشد. مورال به معنی خلق و خوی راسخ در نفس به کار می‌رود. به عبارت دیگر مورال به باید‌ها و نباید‌های رفتار در ارتباط با فرهنگ، ارزشهای مذهبی و عقاید حاکم بر عملکردهای اجتماعی می‌پردازد.

بهر حال هم مورال و هم ethics با تمایز بین «خوب و بد» یا «درست و نادرست» ارتباط دارند. از آنجا که مورال شامل یک کد رفتار شخصی است، ممکن است افراد مورال باشند اما ethical نباشند. یک فرد می‌تواند از قوانین اخلاقی شخصی خود پیروی کند، بدون اینکه به استانداردهای اخلاقی مبتنی بر جامعه پایبند باشد. در برخی موارد، اخلاق فردی افراد ممکن است در تضاد با اخلاق جامعه باشد (۱۲).

### رابطه اخلاق زیستی و اخلاق حرفه‌ای

اخلاق زیستی از زیر مجموعه‌های اخلاق حرفه‌ای است که مرتبط با علم طب می‌باشد. در این اخلاق به تامل و بحث و نظر در موضوعات مربوط به زیست‌شناسی و علوم بهداشتی می‌پردازد و منظور عمده آن سوق دادن تفکر به سمت ارزش‌های اخلاقی در حیطه پیشرفت‌های وسیع علمی و فناوری‌ها می‌باشد (۱۳). به عبارت دیگر اخلاق زیستی بخشی از اخلاق کاربردی است که مبانی اخلاق را برای رفع مشکلات غامض موجود یا مشکلات قابل پیش‌بینی در آینده در طب و زیست‌شناسی مورد استفاده قرار می‌دهد (۱۴).

### اخلاق پزشکی سنتی و معاصر

اگر به سیر تحولاتی که در حوزه درمان و مداوای بیماران وجود داشته نگاهی عمیق داشته باشیم، یک گذر از سطح به عمق را در خواهیم یافت. در اخلاق در علوم پزشکی سنتی اصول امر و نهی از طرف درمانگر و طبیب به عنوان تفکر پدر سالارانه حاکم بود (۱۵) که رفته رفته این امر و نهی در اخلاق طبلیت، جای خود را به تعامل و مشارکت در درمان و درمان هر فرد بر اساس اقتضات فردی و ارزشی سپرده است. تدوین استاندارد ها و دستورالعمل های مرتبط با اخلاق در علوم پزشکی و اجماع در کدهای اخلاقی یکی از برون دادهای اخلاق معاصر می‌باشد. حتی در بیشتر موارد فقهای شیعه نیز برای تکمیل چرخه کرامت انسانی با پاسخگویی به سوالات اخلاقی حین درمان به کمک متخصصین آمده اند. حقوق دانان نیز مباحث حقوقی در حیطه اخلاق را مطرح نموده اند که همگی حاکی از ایجاد یک دید همه جانبه با تکیه به فلسفه آفرینش شریفترین مخلوق یعنی انسان است.

### اخلاق در توانبخشی

توانبخشی، مجموعه خدماتی است که با هدف بهبود کیفیت زندگی و ارتقای مشارکت اجتماعی افراد با توجه به جنبه‌های روحی، جسمی و اخلاقی آنان انجام می‌گیرد. خدمات توانبخشی نیز مانند تمام تصمیم‌گیری‌های مرتبط با سلامت افراد، متشکل از ابعاد اخلاقی است. اما مسایل اخلاقی این حوزه به علت تفاوت در پیچیده تر بودن ساختار و روابط بین تیم توانبخشی و مراجعین در ارائه خدمات توانبخشی با مسایل مربوط به پزشکی و خدمات بیمارستانی تفاوت‌هایی دارد. کم توانی‌های حرکتی و عملکردی به صورت پایدار و پیوسته در مددجویان باعث شده که مسائل اخلاقی ویژه‌ای را به دنبال داشته باشد. اصول اخلاقی مهمی نظیر مقدم دانستن نیازهای توانبخشی مددجو بر دیگر نیازها، اخلاقی فکر کردن و تصمیم گرفتن، بموقع عمل کردن و همچنین حق رضایت در مورد افرادی که مشکلات ذهنی نیز بر معضلات جسمی اضافه می‌شود وجود دارد. می‌توان به این اصول اخلاقی ابعاد محرمانه بودن، راز داری، سودمندی، عدم ضرر رسانی، صلاحیت حرفه‌ای، خود ارتقایی، ارجاع مناسب، مسئولیت پذیری و عدالت در خدمات درمانی را نیز اضافه نمود.

### سوگند نامه‌ها و عهد نامه‌ها

از ابتدای تاریخ معالجه بیماران، پابندی به اخلاق مطرح بوده است و در نتیجه آن سوگند نامه و عهد نامه‌ها و قوانینی برای رعایت اصول اخلاقی بیان شد. اخلاق حرفه‌ای از زمان یونان باستان و امپراطوری روم مورد توجه بوده است. اخلاق حرفه‌ای و آیین نامه‌های رفتاری پزشکی برای اولین بار در سوگندنامه بقراط مطرح شد. بقراط که به پدر علم طب شناخته می‌شود سوگند

نامه‌ای را تهیه کرد که معتقد بود تمامی پزشکان باید به یک سری اصول (شرافت، عدالت، وجدان و رازداری) پایبند باشند. امروزه دانش‌آموختگان رشته پزشکی، سوگندنامه بقراط را در انتهای دوره ادا می‌کنند و متعهد می‌گردند که به آن وفادار باشند. در این سوگند نامه یک سری قوانین و اصول اخلاقی در زمینه پزشکی برای افرادی که در این حوزه فعالیت دارند، مطرح شده است.

### سوگندنامه بقراط

«من سوگند یاد می‌کنم و تمام خدایان و الهه‌ها را گواه می‌گیرم که در حدود قدرت و بر حسب قضاوت خود مفاد این سوگند نامه و تعهد کتبی را اجرا نمایم. من سوگند یاد می‌کنم که شخصی را که به من حرفه پزشکی خواهد آموخت مانند والدین خود فرض کنم و در صورتی که محتاج باشد درآمد خود را با وی تقسیم کنم و احتیاجات وی را مرتفع سازم. پسرانش را مانند برادران خود بدانم و در صورتی که بخواهند به تحصیل پزشکی بپردازند بدون مزد یا قراردادی حرفه پزشکی را به آن‌ها بیاموزم.

اصول دستورهای کلی، دروس شفاهی و تمام معلومات پزشکی را جز پسران خود، پسران استادم و شاگردانی که طبق قانون پزشکی پذیرفته شده و سوگند یاد کرده‌اند به دیگری نیاموزم. پرهیز غذایی را بر حسب توانایی و قضاوت خود به نفع بیماران تجویز خواهم کرد نه برای ضرر و زیان آن‌ها و به خواهش اشخاص به هیچ کس داروی کشنده نخواهم داد و مبتکر تلقین چنین فکری نخواهم بود. همچنین وسیله سقط جنین در اختیار هیچ یک از زنان نخواهم گذاشت. با پرهیزگاری و تقدس زندگی و حرفه خود را نجات خواهم داد. بیماران سنگ دار را عمل نخواهم کرد و این عمل را به اهل فن واگذار خواهم نمود. در هر خانه ای که باید داخل شوم برای مفید بودن به حال بیماران وارد خواهم شد و از هر کار زشت ارادی و آلوده کننده به خصوص اعمال ناهنجار با زنان و مردان، خواه آزاد و خواه برده باشم، اجتناب خواهم کرد. آنچه در حین انجام دادن حرفه خود و حتی خارج از آن درباره زندگی مردم خواهم دید یا خواهم شنید که نباید فاش شود به هیچ کس نخواهم گفت زیرا این قبیل مطالب را باید به گنجینه اسرار سپرد. اگر تمام این سوگند نامه را اجرا کنم و به آن افتخار کنم از ثمرات زندگی و حرفه خود برخوردار شوم و همیشه بین مردان مفتخر و سربلند باشم، ولی اگر آن را نقص کنم و به سوگند عمل نکنم از ثمرات زندگی و حرفه خود بهره نبرم و همیشه بین مردان سرافکنده و شرمسار باشم.»

### سوگند نامه‌ها در ایران

اگر چه در ایران نیز از متن اصلاح شده سوگند نامه بقراط برای دانشجویان پزشکی سوگند نامه‌ای استخراج شده است که در هنگام فارغ التحصیلی به صورت جمعی قرائت می‌شود ولی از

قدیم پند نامه پزشکی مربوط به علی بن عباس اهوازی وجود داشته که مورد استفاده اطباء قرار می‌گرفته است.

پند نامه اهوازی

بنام خداوند بخشنده مهربان

"هر که بخواهد پزشک دانشمندی گردد باید به پندهای بقراط حکیم که در زمان خود برای پزشکان گفته پیروی نماید. نخستین موعظت آن است که ستایش پروردگار و فرمانبرداری خداوند عزو جل را به جای آرند و پس از آن استادان خود را بزرگ دارند و در خدمت و سپاسگزاری و گرامی داشتن آنان همت گمارند. همچنانکه در حق پدر و مادر خود احترام و نیکی می‌کنید و آنان را در دارایی خود شریک می‌دانید باید در حق استادان نیز چنان کنید. فرزندان استادان را نسبت به خود برادر بدانید و هر که بخواهد طب بیاموزد و استحقاق آن را داشته باشد بدون اجر و مزد و شرط و امید تلافی به آن‌ها یاد دهید و آنان را به منزله فرزندان خود و معلمینتان بشمارید و مانع شوید که مردمان پست این علم شریف را فرا گیرند.

پزشک باید در درمان بیماران و حسن تدبیر و معالجه آنان چه با غذا و چه با دارو بکوشد و منظورش از درمان استفاده و پول پرستی نباشد و بیشتر اجر و ثواب را در مد نظر داشته و هیچ گاه داروی خطرناک به بیمار ندهد و توصیه آن را نیز به بیمار ننماید و مریض را به چنین داروهای دلالیت کند و نه از آن سخنی راند. از تجویز داروهای سقط کننده جنین پرهیز نماید و آن‌ها را به احدی معرفی نکند پزشک باید پاک و باکیش و خداپرست و خوش زبان و نیکو روش باشد و از هر ناپاکی و پلیدی و گناه دوری جوید. با نظر بد به زنان چه بانو و چه کنیز نگاه نکند و به منزل آنان جز برای درمان و معالجه وارد نشود. طبیب باید راز بیماران را محفوظ دارد و از افشاء سر آن‌ها به خودی و بیگانه دوری جوید، چراکه بسیاری از بیماران، بیماری خود را از پدر و مادر و کسان خود مستور و مکتوم می‌دارند ولی آن را به طبیب می‌گویند (مانند دردهای رحمی و بواسیر و امثال آن‌ها). پس طبیب باید از خود بیمار در کتمان بیماری بیشتر دقت نماید.

بر پزشک است که در جمیع احوال برآنچه که بقراط حکیم فرموده رفتار نماید و رحیم و پاک چشم و مهربان و خیر رسان و خوش زبان باشد و در درمان بیماران به خصوص مسکینان و فقرا به جد کوشد. در فکر سود و اجر از این دسته نبوده بلکه اگر ممکن شود دارو را از کیسه خود به بیماران بدهد و اگر این کار ممکن نگردد به درمان آن‌ها پرداخته، شب و روز به بالینشان حاضر شود، مخصوصا اگر بیماری آن‌ها حاد و تند باشد. چرا که بیماری‌های حاد، زود تغییر و دگرگونی پیدا کند. برای پزشک شایسته نیست به خوش گذرانی، تنعم و لهو و لعب مشغول باشد و ملول نگردد، بلکه خود را مجبور نماید که هر چه می‌خواند یاد گیرد و حتی مطلب را در آمد و رفت متذکر شود و آنچه را که محتاج است چه علمی و چه عملی در ذهن خود فراگیرد تا همیشه

محتاج مراجعه به کتاب نداشته باشد. به علت آنکه گاهی اتفاق افتد کتب را آفت رسد. باید مطالب را در جوانی آموخت به دلیل آنکه نگاهداری و حفظ آن‌ها در این موقع از پیری که مادر فراموشی است، آسانتر می‌باشد.

طالب علم طب باید پیوسته در بیمارستان‌ها و محل بیماران در خدمت استادان دانشمند و پزشکان حاذق به کارهای بیماران و احوال آنان پردازد تا در مصاحبت و خدمت این استادان و پزشکان زبردست از عوارض و احوال بیماران آنچه که خوانده است یاد گرفته، از نیکی و بدی فرجام بیماری‌ها آگاه شود، اگر چنین کند در این صنعت به مقامی بلند می‌رسد. بنابراین اگر کسی بخواهد طبیبی حاذق و فاضل باشد باید بدین دستورها رفتار کند و این پندها را در گوش داشته به صفات اخلاقی که ذکر شد خوی گیرد و در عمل کردن بدان‌ها سستی نورزد و کوچک نشمارد. اگر بدین رویه رفتار نمود درمانش در بیماران موثر خواهد گشت و مردم بدو اعتماد نموده و به او خواهند گروید و او نیز به دوستی و ذکر خیر آنان نایل شده و از سوی مردم منتفع خواهد شد. خداوند متعال از همه داناست.

### جمع بندی مفاهیم

پایبندی به اخلاق یکی از بزرگترین سرمایه‌های انسانی است که به عنوان یک پیش شرط اجتماعی محسوب می‌شود. دامنه اخلاق تا تمام شئونات بشری بخصوص در ارتباط با موضوعات کاری نیز پیش رفته است. متخصصین و کارشناسان علوم پزشکی باید تلاش کنند در سایه تحلیل های فلسفی، درست و یا نادرست بودن را در حیطه عملکرد در درمان و مراقبت‌های بهداشتی به اجرا بگذارند. در علوم توانبخشی نیز باید به اصول اخلاقی مرتبط با کم توانی‌های حرکتی، ذهنی و عملکردی پایدار و پیوسته در مددجویان مثل مقدم دانستن نیازهای توانبخشی مددجو بر دیگر نیازها، اخلاقی تصمیم گرفتن، عدالت و حق رضایت توجه خاص شود.

### نکات کاربردی فصل

- معیارهای «خوب و بد» باید توسط متخصصین علوم پزشکی و در محیط بالینی تعریف شود. صفاتی مانند صداقت، درستکاری، احترام و وفاداری در محیطی که بیمار و همراه بیمار و کادر پزشکی است مفهوم دقیقتر خواهد داشت.

- حق رضایت در مورد افرادی که علاوه بر عوارض جسمی دچار مشکلات ذهنی نیز هستند یکی از اصول اخلاق در توانبخشی بوده که باید به آن توجه ویژه نمود.

## منابع فصل اول

- 1- LaFollette H, editor. Ethics in practice: an anthology. John Wiley & Sons; 2020 Apr 28.
- 2- Seyed Mortaz S, Garshasbi A. Basics and philosophy of medical ethics. Daneshvar Medicine. 2020;18(5):71-80.
- 3- Khani jazani J. Medical ethics philosophy. Journal of diabetes and metabolic disorders. 2007;7((24)
- 4- Campbell, A., Gillet, G., & Jones. G. (2007). Medical ethics. translated.
- 5- Siegler M, Pellegrino ED, Singer PA. Clinical medical ethics. The Journal of clinical ethics. 1990 Mar 1;1(1):5-9.
- ۶- وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی. اخلاق پزشکی به انضمام مختصری از تاریخ پزشکی. وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، معاونت پژوهشی. ۱۳۷۰.
- 7- Fitzgerald A. Professional identity: A concept analysis. In Nursing forum 2020 Jul (Vol. 55. No. 3. pp. 447-472).
- ۸- فاضلی ز، فاضلی ف، رضایی م، مظفری م، حیدری ر. اخلاق حرفه‌ای و نقش آن در حرفه پزشکی. مجله دانشگاه علوم پزشکی ایلام. ۲۰۱۳؛ ۷-۱۰: ۲۰(۵).
- ۹- امامی رضوی س ح، امیرخانی م. اعتلای اخلاق اسلامی حرفه‌ای در سلامت: مفهوم‌شناسی، راهبردها، طرح در برنامه‌های آموزشی. طب و تزکیه. ۲۰۲۳؛ ۳۲(۱): ۱۶.
- ۱۰- واحدی س، عباس‌زاده‌قنوتی م، مهرانی ف، شریفی‌یزدی م ک. اخلاق حرفه‌ای در علوم پزشکی. ناشر: شرکت آینه نما. ۱۳۹۳.
- ۱۱- دوستی ح، احمدی ا. اخلاق حرفه‌ای در تحلیل داده‌های علوم پزشکی. مجله دانشکده دندانپزشکی مشهد. ۲۰۲۴؛ ۴۸(۳): ۸۵۵-۸۴۰.
- 12- Frankena WK. The concept of morality. In The definition of morality 2020 Jul 20 (pp. 146-173). Routledge.
- 13- Boemer MR, Sampaio MA. The exercise of nursing in its bioethical dimension. Revista Latino-Americana de Enfermagem. 1997 Apr 1; 5(2):33-8.
- 14- Iserson KV. Principles of biomedical ethics. Emergency Medicine Clinics. 1999 May 1;17(2):283-306.
- ۱۵- کیارش آرامش ک، لاریجانی ب. کتاب پزشک و ملاحظات اخلاقی جلد ۱. برای فردا. ۱۳۹۸.

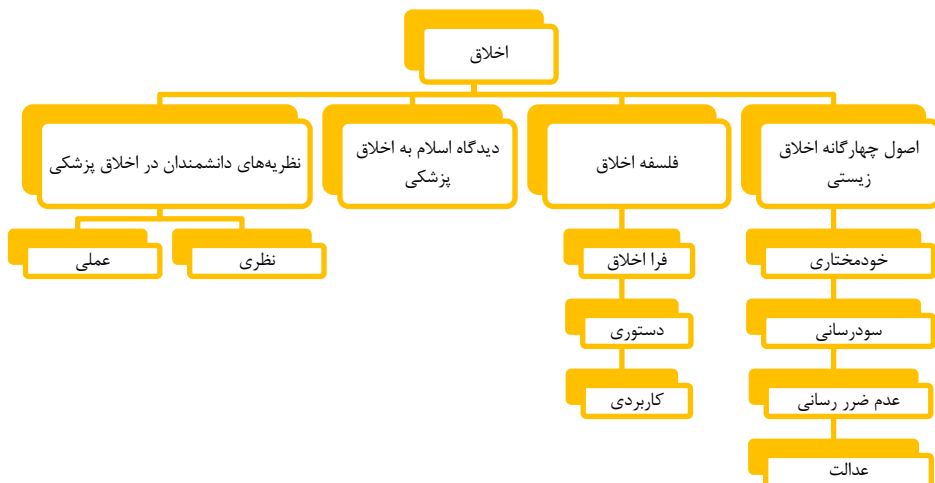
## فصل دوم:

### فلسفه، نظریه‌ها و اصول اخلاق زیستی

دکتر علیرضا طاهری/ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان  
دکتر حسین سورتیجی/ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

در پایان این فصل دانشجو قادر خواهد بود:

- فلسفه اخلاق را شرح دهد.
- نظریه‌های دانشمندان در اخلاق پزشکی را توضیح دهد.
- دیدگاه اسلام به اخلاق پزشکی را تشریح کند.
- اصول اخلاق زیستی را توضیح دهد.
- اخلاق حرفه‌ای (پروفتشنالیزم) را توضیح دهد.



## خلاصه

انسان به عنوان یک موجود پیچیده ابعاد ناشناخته و عمیقی دارد که هر دانشمندی از زاویه‌ای به او نگاه کرده و به دنبال آن یک تئوری اخلاقی بر اساس زاویه دیدش مطرح نموده است. در این میان اسلام نیز انسان را به عنوان اشرف مخلوقات بیان کرده و از طریق وحی و عقل و فطرت هویت او را تبیین نموده است. اصول اخلاقی مطرح شده از دیدگاه اسلام اصولی جامع و کامل است که انسان را به صورت یکپارچه می بیند. این نگاه در علوم پزشکی نیز باعث شده که درمان در کنار اخلاق علاوه بر تاثیر بر جسم فرد به روان و هویت واقعی او به عنوان یک انسان جامع در نظر گرفته شود.

## فلسفه اخلاق

فلسفه اخلاق درباره اصول و مبادی مورد تصدیق علم اخلاق و در ارتباط با خوب و بد کارها صحبت می کند. از دیدگاه فلسفی، به چیستی و معیار تشخیص خوبی از بدی‌ها اشاره دارد و به سؤالاتی از این قبیل می پردازد: آیا مفاهیم اخلاقی در سرشت انسان قرار داده شده است؟ آیا این مفاهیم یک باره در انسان به وجود می آید یا با رشد عقلی و به تدریج ایجاد می شود؟ آیا حکم یا فعلی که انجام می دهیم فطری است و یا با تجزیه و تحلیل عقلی به دست می آید؟ در دو راهی‌های حیاتی و ضروری کدام سمت را بگیریم؟ (۱) در اخلاق حرفه‌ای نیز اصول فلسفی حاکم بر تصمیم‌گیری مهم است این را باید بدانیم که بر اساس معیارهای اخلاقی حاکم بر رفتار هر فرد، اعمال حرفه‌ای شکل می گیرد.

بر اساس اینکه هر نوع تصمیم‌گیری درمانی با توجه به ویژگیها و شرایط تعیین می گردد لذا فلسفه اخلاق نیز به همین جهت به سه دسته فرا اخلاق، اخلاق اصولی یا دستوری و اخلاق کاربردی تقسیم نمود. در فرا اخلاق به منشاء و محتوای مفهوم اخلاقی می پردازد یعنی پاسخ به اینکه خوب چیست و ارزش چیست. در اخلاق دستوری به استانداردها و اصول و قواعد اخلاقی و مشخص نمودن رفتار خوب و بد اشاره دارد یعنی پاسخ به سوال اینکه کدام فعل خوب است. در اخلاق کاربردی موضوعات مورد بحث و اختلاف را بررسی و سعی در حل آن دارد (۲).

## نظریه‌های دانشمندان در اخلاق پزشکی

در اخلاق دیدگاه‌های مختلف وجود دارد که مبنای آن پاسخ به سؤالاتی از این دست است: مثل اینکه انسان چگونه باید رفتار کند؟ زندگی خوب و سعادت‌مندانه برای انسان چگونه زندگی است؟ فلاسفه در طول تاریخ سعی و تلاششان بر این بوده که به این پرسش‌ها پاسخ‌های رضایت بخشی بدهند. همین پاسخ هاست که «نظریه‌های اخلاقی» نام گرفته اند.

در تقسیمات اخلاق، اخلاق به نظری و عملی تقسیم می‌شود:

- ۱- در اخلاق نظری، تکلیف مطلق، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر روشن می‌سازد که محرک اساسی اعمال انسان چه باید باشد و چه چیزی باید هدف زندگی انسان قرار گیرد. به عنوان مثال بحث می‌کند از این که آیا انسان باید به فرمان عقل گوش دهد، یا به دستورات عاطفه؟
- ۲- در اخلاق عملی، وظایف یا تکالیف مختلف تعریف و مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد مانند وظایف انسان نسبت به خود، نسبت به خانواده، نسبت به مردم، نسبت به دولت، نسبت به کشور و ....

برجسته ترین نظریه‌های اخلاقی مربوط به سقراط، نظریه اخلاقی افلاطون، ارسطو، دکارت و هگل است.  
- نظریه اخلاقی سقراط:

به اعتقاد سقراط تیره بختی انسان حاصل نادانی اوست. بزرگترین فضیلت، دانایی است و اشتباهات آدمی از نادانی او سرچشمه می‌گیرد. اگر کسی واقعا بداند که چیزی بد است هرگز آن را انجام نمی‌دهد. همچنین باید در شناخت خیر کوشید و تعریف درستی از امور خیر به دست آورد. فضیلت چیزی غیر از دانش و حکمت و خردمندی نیست و فضایل عبارتند از آگاهی به شجاعت، عفت، عدالت، خداپرستی. سقراط معتقد است که برای آراستگی به این فضایل و رسیدن به سعادت باید گوش به فرمان خرد داشت و از دستورات عقل پیروی کرد.

- نظریه اخلاقی افلاطون:

افلاطون نیز همانند استاد خود سقراط عمل نیک را نتیجه علم به نیکی می‌داند و معتقد است که اگر مردمان نیکی یا خیر را بشناسند به بدی و شر گرایش پیدا نمی‌کنند. این فیلسوف مسائل اخلاقی را مبتنی بر مابعدالطبیعه تفسیر می‌کند و تلاش می‌کند تا مشکلات اخلاقی را نیز به مدد نظریه «مثل» حل کند. او می‌گوید انسان برای این که به خیر و سعادت برسد باید دل و اندیشه خود را از آلودگی‌ها پاک کند و به فضایی برسد که این فضایل عبارتند از حکمت، شجاعت، عفت، عدالت است. او فضیلت را به اقسام زیر تقسیم بندی نموده است.

۱- فضیلت سر (جنبه عقلی) حکمت است.

۲- فضیلت دل یا قلب (جنبه اراده) شجاعت است.

۳- فضیلت شکم (قوه شهوانی) عفت و پرهیزگاری است.

افلاطون معتقد است انسانی که عدالت بر زندگی او حکومت کند انسانی خردمند و سعادتمند خواهد بود البته معنی عدالت با آنچه که در سیاست و جامعه است فرق می‌کند، منظور او از عدالت یعنی این که هر شخصی دنبال کار خودش باشد و در کار دیگران مداخله و اظهارنظری نکند.

- نظریه اخلاقی ارسطو:

به اعتقاد ارسطو انسان دو جنبه دارد یک جنبه حیوانی و دیگری جنبه خدایی و جنبه روحانی انسان، همان جنبه عقلی اوست. زیرا انسان دارای قدرت تفکر و تعقل است. او می‌گوید اگر انسان این دو جنبه حیوانی، خدایی و عقلی را با هم متحد کند و تمام نیروهای خود را هماهنگ و فرمانبردار عقل کند و در زندگی از دستورات خرد پیروی کند به یک فضیلت بزرگ در زندگی رسیده است.

ارسطو کلید و رمز موفقیت و نیکبختی را در میانه‌روی (رعایت حد وسط) می‌داند و افراط و تفریط را ناپسند می‌پندارد. عاقل کسی است که از دو جانب افراط و تفریط رویگردان باشد و طریق اعتدال را برگزیند. حد وسط در اخلاق را کسانی درک می‌کنند که از عقل پخته و انعطاف‌پذیر در درک اوضاع برخوردار باشند. خلاصه آن که عمل انسان همواره باید موافق عقل باشد و اگر چنین شود البته سعادت و خرسندی خاطر که مراد و منظور از علم اخلاق همان است، حاصل خواهد گردید (۳-۴).

- نظریه کانت:

کانت در کتاب مبانی مابعدالطبیعی اخلاق، یگانه هدف خویش را جستجو و برپایی عالی‌ترین اصل اخلاق معرفی می‌کند. اصلی که همچون قطب‌نمایی برای افعال اخلاقی است. کانت اخلاق را در درجه اول، به حوزه فردی مربوط می‌داند. او بر وظیفه‌گرایی تأکید دارد و می‌گوید که ما الزام داریم در هر وضعیت بر اساس یک اصل واحد عمل کنیم و در موقعیت‌های مشابه بدون توجه به زمان، مکان یا فرد، همان عمل را انجام دهیم. محور و مرکز تئوری کلنت احترام و ارزش‌گذاری به استقلال فرد است.

- نظریه هگل:

هگل بر این باور است که دیدگاه اخلاقی کانت، انتزاعی و گویی بی‌محتواست. افزون بر این، اصول اخلاقی کلنت تناقض‌هایی دارد. از این رو این نظام اخلاقی را در عمل ناممکن می‌کند. از دیدگاه هگل، فردی دانستن اخلاق، نادیده گرفتن جهان اجتماعی و سیاسی را در پی دارد که در پس عمل اخلاقی فرد نهفته است. افزون بر این، از منظر وی، تأکید کلنت بر کلی‌سازی قانون اخلاق، ایرادهایی دارد. برای مثال کلی‌سازی قاعده‌ها، آزمونی صرفاً سلبی است. یعنی حتی اگر این آزمون با موفقیت به انجام رسد، فقط نشان می‌دهد از لحاظ اخلاقی چه نباید بکنیم، اما نمی‌گوید چه باید بکنیم (۵).